

جراحت خویشتن کودک و تحریفات هویتی در اشتراک‌گذاری والدانه

Sharenting / کودک‌نمایی دیجیتال



- آغاز فرآیند فرافکنی آرزوها و ترس‌های والدین به دنیای درونی و مسیر زندگی کودک
- تحمیل الگوی خاصی از دیده شدن
- بزرگنمایی ابعادی از توانایی‌ها و نادیده‌گیری بخش‌های دیگری از شخصیت
- به حاشیه رانده شدن اشتیاق‌های حقیقی و خویش‌تن اصیل کودک (True self)

مسیر رشدی سالم خویشتن و خودشیفتگی
مصادیق آسیب شناسی و
ابتلای آن به انحراف از مسیر طبیعی
در دنیای دیجیتال





تولد هستی و تمایز جسمانی-روانشناختی کودک

- تولد فیزیکی کودک، نقطه پایانی فرآیندی است که شروع آن شکل‌گیری ایده‌ی تولد او در ذهن والدین بوده است.
- پایان ایده‌پردازی‌های یک‌سویه والدین از فرزند فرضی و نقطه آغاز برخورد ذهنیات والدین با واقعیت فیزیکی-روانشناختی کودک
- تولد یک کودک ، به موازات کامیابی، شروع ناکامی‌های والدین از تحقق پیش‌فرض‌هایشان در وجود کودکی است که هر روز بیشتر از روز قبل، "دیگری" بودن خود را به رخ می‌کشد.



آیا ممکن است یکی از موانع تولد روانشناختی کودک،
و مقاومتها در برابر انفکاک و رشد آن تا فردیت و استقلال بالغانه،
ناتوانی والدین از به رسمیت شمردن موجودیت مستقل کودک باشد؟



- نادیده گیری فردیت کودک و تعاریف بالقوه متمایز او از مفاهیمی مانند مرز و حریم شخصی، در دورانی از زندگی که حق انتخابی برای کودک وجود ندارد.

- تصمیم گیری یک سوویه، و نمایش اجزایی از گذشته، بدن و بودن کودک که ممکن است در زندگی بزرگسالی و نگاه گذشته نگر به کودکی اش، ترجیحات متفاوتی پیرامون دیده شدن یا نشدن آنها داشته باشد.



اشتیاق‌های القا شده در امتداد ذهنیت تمایزنیافته والدین

✓ رشد سالم خویشتن (self)، از دیدگاه هاینز کوهات، در یکی از سه قطب اصلی خود، بستگی به کشف اشتیاق‌های درونی و حقیقی کودک، انعکاس دادن تقویت‌کننده‌ی آنها از سوی والدین، و به جریان انداختن آنها در مسیر رسیدن به اهداف شخصی، دارد.

✓ ناتوانی از تحمل "دیگری" بودن کودک، می‌تواند مانع از آبیاری جوانه‌های شوق او، و منتهی به پذیرندگی کودک نسبت به اشتیاق‌های القا شده از سوی محیط و والدین شود.

سوگیری والدین به کاشتن و پروراندن
پیش‌رس و شتابزده‌ی نوع خاصی از
مهارت‌ها در فرزندشان، میتواند متاثر از
فرهنگ مقایسه در شبکه‌های اجتماعی،
رقابت‌جویی نیابتی به واسطه دستاوردهای
فرزند، و ادراک ارزشمندی و قدرت، از
طریق کسب امتیازات بیشتر در
مسابقه‌های مجازی، باشد.





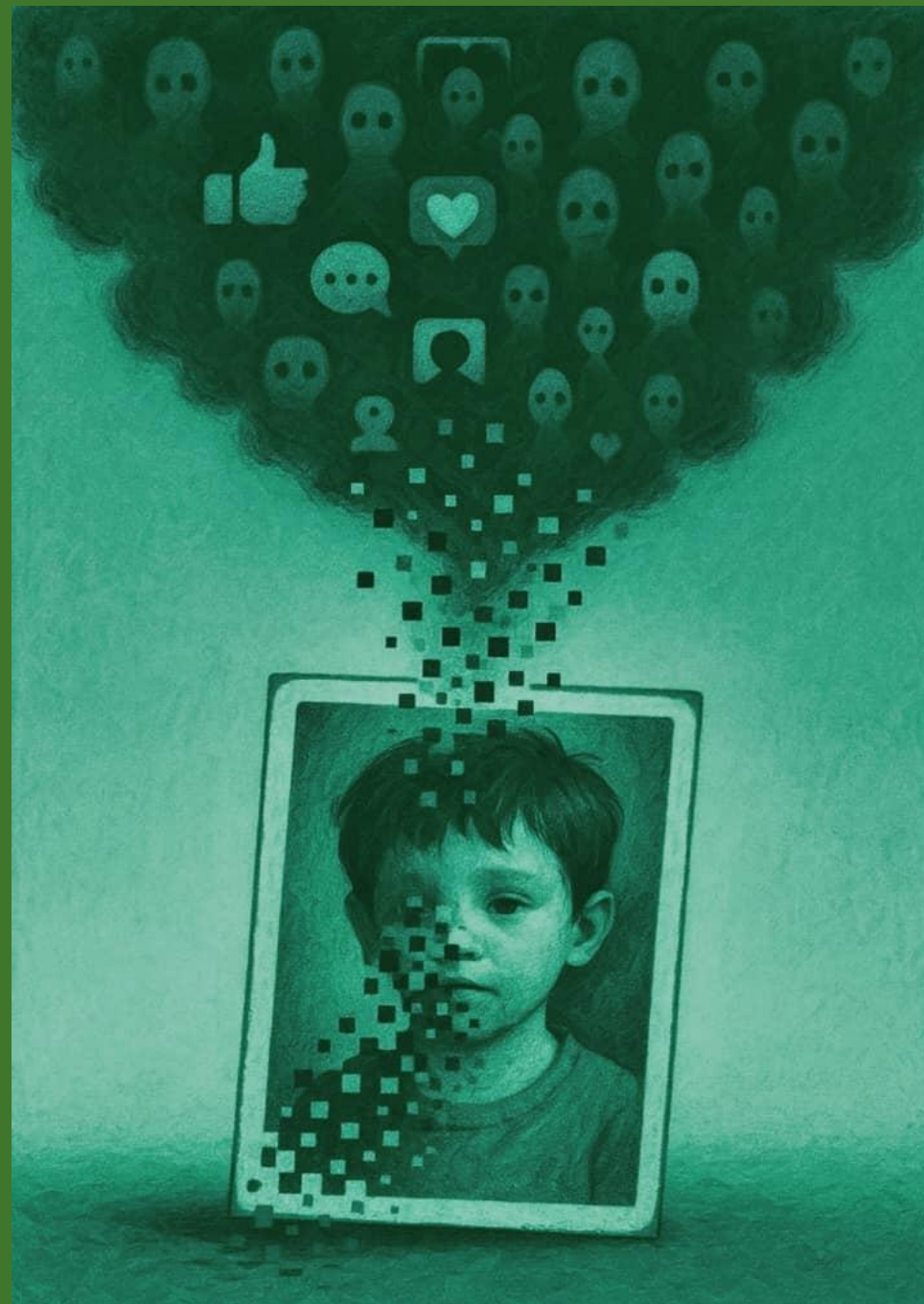
غلبه ی انطباق بر اکتشاف در فرآیند قوام یافتن سلف

بر اساس دیدگاه‌های هری گانت‌ریپ، حفظ عشق والدین و دوست‌داشتنی ماندن برای آنها، و بر اساس نظریه فربرن، حفظ اتصال با والدین، برای یک کودک، سیستم انگیزشی قوی‌تری در مقایسه با پیگیری اشتیاق‌های شخصی‌اش است.

در شرایطی که اتصال با نگاه تائیدگر والد و حفظ عشق والد، برای یک کودک در تعارض با پیگیری علائق شخصی‌اش قرار می‌گیرد، احتمال آنکه کودک، در دوراهی میان ابراز خویشتن حقیقی، یا انطباق با خویشتن مطلوب محیط یا همان سلف کاذب، مسیر دوم را برگزیند، بسیار زیاد است.

رشد سلف کاذب، در نتیجه‌ی انطباق
با خویشتن مطلوب و مورد آرزوی
والدین/محیط/شبکه‌های اجتماعی، و
شکل‌گیری تدریجی احساسی از
غیرواقعی بودن

تعریف خود در تطابق با محیط، و
احساس اجبار به تبعیت، در مقایسه با
احساس حقیقی بودن و
انطباق‌پذیری انتخابی با محیط





احاطه شدگی اشتیاق‌های شخصی با آینه های انبوه

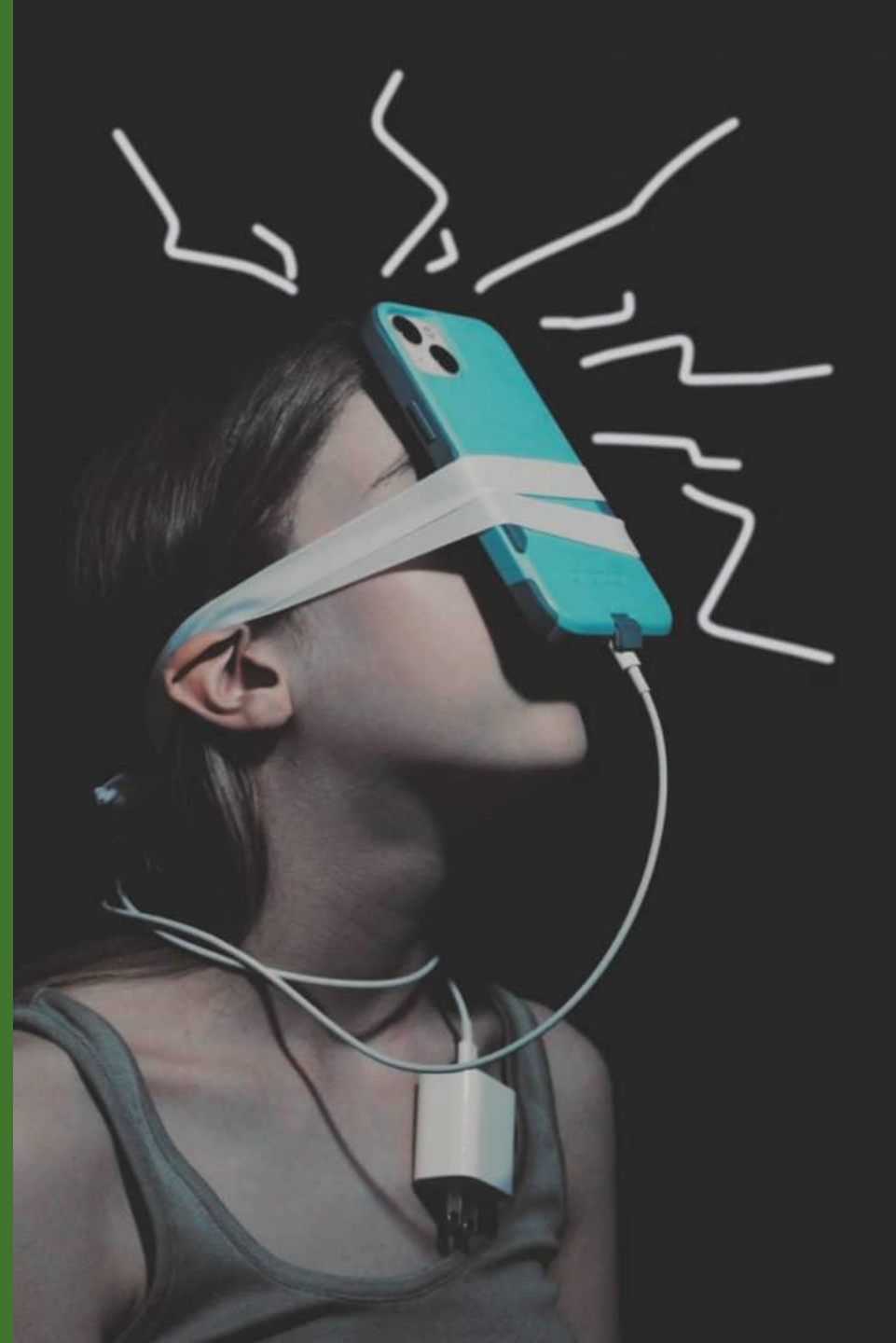
بیش تحریک شدگی (over-stimulation)

در دو قطب از خویشتن:

- اشتیاقها/ ambitions
- آرمان ها/ Ideals



اعتباربخشی افراطی به یک استعداد خاص، تا حد مشروط کردن ارزشمندی کودک به آن قریحه یا اشتیاق، نمایش دادن در دنیای آینه‌های دیجیتال و آسیب‌پذیر نمودنش به تأیید یا عدم تأیید در میان انبوه بینندگان، کودک را با نوعی بیش‌تحریک‌شدگی اضطراب‌آور مواجه می‌کند که میتواند باعث منحرف شدن مسیر یک اشتیاق خودجوش و حقیقی شود و آن را به سمت فلج‌شدگی در اضطراب، یا شتابزدگی و احساس اجبار برای دریافت تأیید، دیگر نه فقط در درخشش شوق‌انگیز نگاه والدین، بلکه در واکنش آینه‌های انبوه، سوق دهد.



ایستایی در برابر ابهت آرمان‌ها و گم‌گشتگی در دیگری دیجیتال



مواجهه با تصاویر قهرمان گونه و آرمانی، فراتر از قهرمان سازی فانتهیک و کودکانه از خود، پدر و مادر متورم شدن هر چه بیشتر قلهها، به جای فراهم شدن فرصتی برای آرمانی زدایی تدریجی

در چنین حالتی از بیش تحریک‌شدگی با آرمان‌ها، کودک بیش از آنکه اهدافش را بر اساس رویاهای شخصی و جوانه‌های نارس اشتیاقش تعریف کند، رویاها و اشتیاق‌هایش را بر اساس آرمانهای عرضه شده توسط 'دیگری‌ها'، تعریف میکند و به این ترتیب دچار هویتی میشود که مرز آن با هویت دیگری محیطی و مجازی مشخص نیست و این محوشدگی مرزهای شخصی، منتهی به ناتوانی از تفکیک ذهن خود از ذهن دیگری و گمگشتگی در میل محیط میشود.

والدگری معطوف به پاسخ‌دهی و هماهنگی با خویشتن کودک
در برابر
جستجوی زیستن و نمایشگری نیابتی



○ تجربهٔ محرومیت مزمن در ارضای نیاز دیده شدن در کودکی میتواند منتهی به جستجوی عطشوار برای جبران آن در زندگی بزرگسالی شود.

○ اصرار والدین بر نمایش نبوغ و خاص بودن کودک، میتواند نوعی ارضای نیابتی میل به دیده شدن، و نمایشگری نادیده‌انگار نسبت به حقوق و فردیت کودک باشد.

در چنین فرآیندی، آنچه از گذشته ی والدین به زندگی اکنون کودک 'انتقال' می یابد،
'تجربه ی دیده نشدن' است.

تبدیل شدن کودک به واسطه ای برای جبران کمبودهای رشدی والدین،
او را در اوج دیده شدن در شبکه ها و صفحات مجازی،
به اعماق آسیب شناسی های مرتبط با نابینایی محیط به خویشتن کودک،
و تجربه ی نامرئی بودن در ازدحام آرزوهای 'دیگری'، میبرد.

کمک به والدین برای بازشناسی موجودیت منحصر به فرد کودک؛
موجودیتی با ملزم نبودن به جبران نارسایی‌های گذشته‌ی والدین
سزاوار نبودن برای تبدیل شدن به ابزار نمایشگری و زیستن نیابتی
و نیازمند به دریافت انعکاس و پاسخ‌های متناسب
به اشتیاقها و جوانه‌های نارس آرزومندی

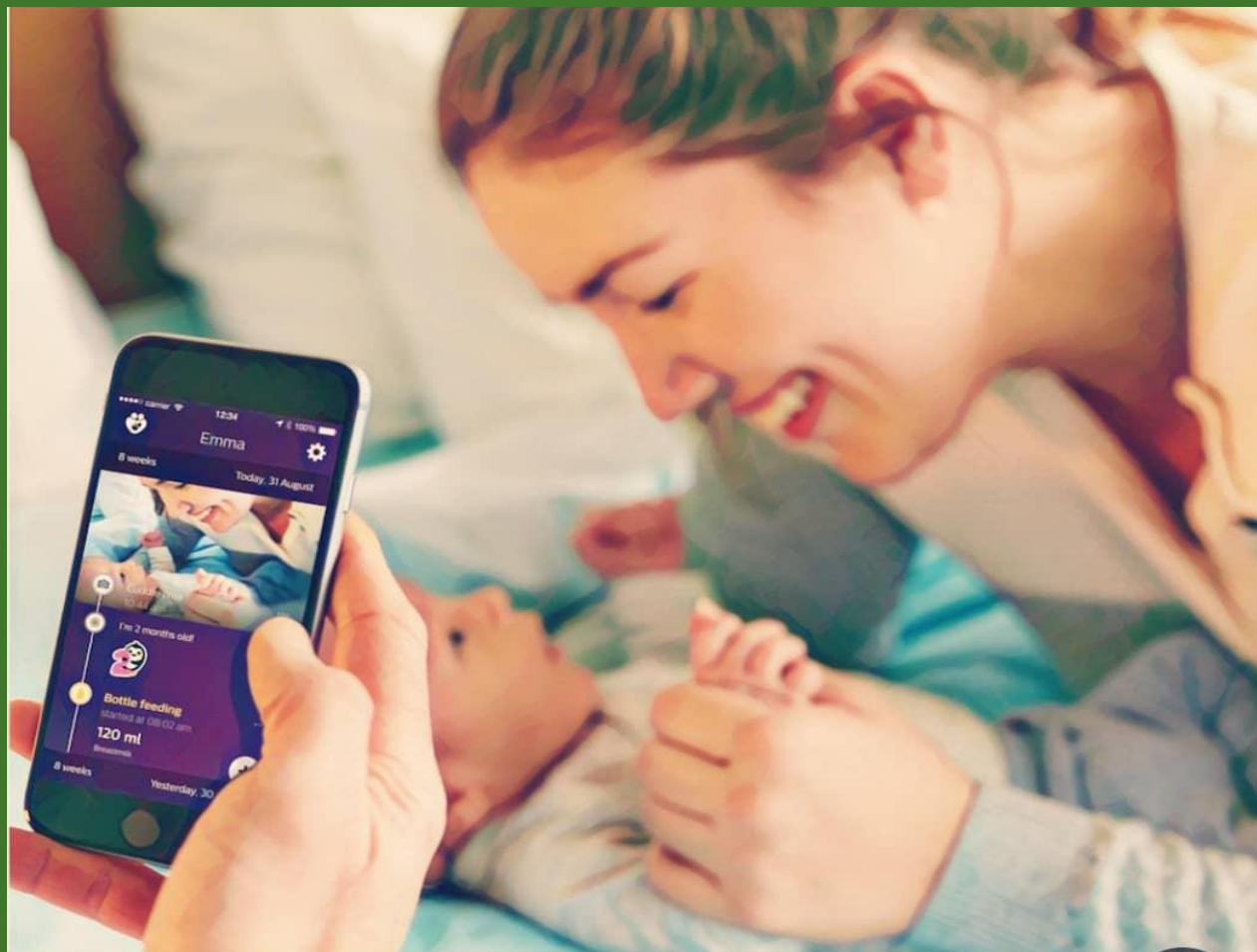





درمانگری معطوف به ارزیابی و آسیب‌شناسی 'محیط'
در ورای 'دو والد'

نسبت دادن مطلق مسئولیت و نقش محافظت‌گرانه به دو والد، نگرشی تقلیل‌گرایانه و غفلت‌کننده از بافتار اجتماعی و فرهنگی است که واحد پدر-مادر-کودک را احاطه کرده است.

والدین واسطه‌ی انتقال فرهنگ و ارزشهای اجتماعی به کودک هستند و اینکه چه صفاتی را در کودک تقویت، و چه وجوهی را تنبیه یا سرکوب میکنند، فراتر از ویژگی‌های شخصیتی و پیشینه فردی‌شان، متأثر از ارزشهای اجتماعی، و الزامات تطابق و تاب‌آوری در یک بافتار فرهنگی، جغرافیایی و زمانی خاص است.



احساس الزام والدین به تعریف هویت دیجیتال برای فرزندشان، از حتی پیش از تولد او، قابل توضیح، نه صرفاً بر اساس وجود پاتولوژی‌هایی در والدین، بلکه به عنوان تلاشی در جهت انطباق با مقتضیات زمان است.



یکی از موضوعاتی که نیاز به ارزیابی آسیب‌شناسانه از سوی درمانگران دارد، محیط تاثیرگذار بر رشد یا توقف اشتیاق‌های کودکان است؛ محیطی فراتر از کارکردهای تغذیه‌گر و تأمین‌کننده‌ی والدین؛

نجات فردیت کودک و خویشتن حقیقی او
نیاز به مراقبت والدین و درمانگران، از
قلمرو انسانی و مرزهایی دارد که موجودیت
مستقل او را در عین انعطاف‌پذیری در برابر
محیط، ناتراوا نسبت به نفوذ هویت‌های
'دیگر' و مقاوم در برابر از خود
بیگانگی، می‌سازد.

